

دست کردن سحری با الممت (تسنود)

حمید گفت: من الممت ندارم، بین این اگر کسی دزد از او بگیرد...
چند ماه من طوری با تسنود به تو نگاه می کردند. حرام گفت: تسنود! می خواهی فردا زوزه بگیری، کاری کنی که زوزه هایمان بطلد شود.
خلاصه هر چه التماس کرد، نشد و آخر سر گفت: از این به بعد من دستم جلا می سران بگیرم. این قدر کشیک می دهم تا یک مکر کنی از این آسایشگاه بیجا بکنم و فرود.
هنوز از آسایشگاه خارج نشده بود که ما دوباره الممت را از کاشانیت و غفار زوری آن قرار دادیم تا گرم شود، منتها آن قسمت را که فرود شده دست زده بود دور بچشم.
غنا را آوردیم و کاشانیت و تسنود وسط و بعد از خواندن دعای سحر، به خوردن سحری پرداختیم و غناقه آن شب تمام شد.
الممت از هر شب تمیز و خشک می کردیم تا رنگ زرد و بعد سیاه و در آخر جدای از هم می گذاشتیم.

فردی عالم شب برای آمار که امندن در اتاق ما را برگردند، فرقی نداشتیم، نامی با سبزه ها به ما افتاد ما آمد که الممت دستم یکی از اسرار بود. باقیه ما را تا کرد، بوسه ای در یک دست گرفت و هوشی را هم در دست دیگرش مخفی کرد. قدر عالی به اسرار مقاری بد و بی سر آمد و وقتی او را فرود شده اندامی کینت معلوم شد، روزی می گوید، یرو می مطمئنم که شما الممت دارید، الممت از اندامی روزها زایل قبول بیستما از این حرف و ادعای منان گرفته فرموده گفتمی که را که خود خندید، بوسه بیرون کشید و در وسط آسایشگاه و سبزه ها گفت: اینها را بربند.

بعد گفت: خوب، حالا الممت را بدهید و اگر نه همه آن را آتینی نمی کنی!
کسی چیزی نگفت.
دستور داد لباس های همه را در بیاورند و بربند بیرون و تمام آسایشگاه را بگرد الممت در دست یکی از اسرار بود در دست چندتا اسرار دیگر هم فلقان را دور زور بار آوردی اسرار می کردیم به دستم فرقی نداشت.

اسرایی که این وسایل در دستشان بود به الممت تلقی می کردند. فرقت کرد خالی بود و اسرایی آن را می آوردن بیرون سوره بودند. آنها هم هر چه گشته چیزی پیدا کردند وقتی به آسایشگاه رسیدیم، دیدیم همه وسایل ما هم در دست الممت بود. حالا الممت را شنگ و کابل به ضرب و شتم اسرار پرداختند و وقتی خسته شدند، پرسیدند که رفتی می خواهید در آسایشگاه بماند، فرقت کرد یکی از برادرها باز فرموده رسید: آخر حرم ما چیست؟ اگر چه می خواهی در آسایشگاه بمانی؟
گفت: چون شما الممت دارید.
آن برادر گفت: شما این قدر شنیدید و چیزی نیفتادید، شاید این حرام خوابی داده بوده و اشتباه دیده است.
فرمودند که گاهی دو باوخت و همه رفتند.

همایش ملی «مضان در آینه آقا میرزا اناری» توع فرهنگ و وحدت منوی

همایش ملی «مضان در آینه آینه آقا میرزا اناری» توسط فرهنگ و وحدت منوی به همت پژوهشده مردم شناسی پژوهشگاه مردم شناسی پژوهشگاه ملی فرهنگ و مردم شناسی برگزار می شود. طریقه ضامن این همایش، رئیس پژوهشگاه مردم شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و مردم شناسی است. همایش با عنوان «مضان در آینه آینه آقا میرزا اناری» در روزهای ۱۴ و ۱۵ مرداد ماه جاری در محل سالن همایش های فرهنگ و مردم شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و مردم شناسی پژوهشگاه ملی فرهنگ و مردم شناسی برگزار می شود. همایش با عنوان «مضان در آینه آینه آقا میرزا اناری» در روزهای ۱۴ و ۱۵ مرداد ماه جاری برگزار می شود.

همایش ملی «مضان در آینه آینه آقا میرزا اناری» توسط فرهنگ و مردم شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و مردم شناسی پژوهشگاه ملی فرهنگ و مردم شناسی برگزار می شود. همایش با عنوان «مضان در آینه آینه آقا میرزا اناری» در روزهای ۱۴ و ۱۵ مرداد ماه جاری برگزار می شود. همایش با عنوان «مضان در آینه آینه آقا میرزا اناری» در روزهای ۱۴ و ۱۵ مرداد ماه جاری برگزار می شود.



دکتر شهریار عدل نخستین داوطلب ثبت میراث فرهنگی

چند روز پیش شهریار عدل در ۷۲ سالگی به دلیل تراحتی در قفسه سینه به طور ناگهانی در فرسنگ به دیار باقی شتافت. وی متولد ۱۲ بهمن ۱۳۲۲ بوده و اجداد پدری او اهل تبریز بودند. شهریار عدل سال های دبستان و دبیرستان را در تهران گذرانده و از پاییز ۱۳۳۸ شمسی (۱۹۵۹ میلادی) ادامه تحصیلاتش را در فرسنگ دنبال کرد.
در مدرسه عالی علوم تاریخی در سورین تحصیل کرد و همزمان در مدرسه موزه لوور، تاریخ عمومی هنر، باستان شناسی شرق زمین و تاریخ هنرهای دوره اسلامی خوانده و در مدرسه معماری پاریس - بوزن - رفت.
سپس به ادامه تحصیل در دوره کنتری پرداخت و بر اثر پیشنهادی دکتر موضوع «فوتوح همایون» را برگزید که بعد از تاریخ جنگ های شاه عباس در سال ۱۰۰۷ ق در خراسان و فتح و فتح مربوط است.
شهریار عدل از اوایل دهه ۷۰ میلادی ریاست کمیته ملی ثبت میراث فرهنگی را بر عهده داشت که در چارچوب میانه در او یونسکو برعهده داشت که در چارچوب آن با حضور دانشمندانی از نقاط مختلف جهان، مجموعه های میراثی به معقل در این زمینه به

در روزن خراسان، بسطام، بسمنان، ری، مسجد نه گنبد بلخ و یم به انجام رسیده و در دست انجام داشت. نتایج این تحقیقات به طور بوسه در نشریات اروپا یا ایران منتشر شده است.
کتاب تهران، پایتخت دوستانه ساله از دیگر تلاش های او و همکار فرانسوی وی، برنار اورد است که به مناسبت یونسکو مستقیم سالگرد پایتختنش تهران در سال ۱۹۹۲ از سوی انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران منتشر شد.
بر اساس گزارش پژوهشگاه میراث فرهنگی، دکتر عدل از دیگر فعالیت های عدل، ثبت نخستین آثار ایران در فهرست میراث جهانی است که مقارن با آشفتنی های روزهای اول انقلاب و با هزینه شخصی وی انجام شد.
چند ماه پس از وقوع انقلاب، در اردیبهشت سال ۱۳۵۸ با سفر به مصر اقدام به پیگیری و ثبت میدان نقش جهان امپراتور محمد چنانزبیل و تخت جمشید کرد. پس از آن بمدت ۷۳ سال هیجانی از ایران در فهرست میراث جهانی ثبت نشد تا آن که پارسیگر در اواخر دهه ۷۰ خورشیدی با پیگیری های مدیریت وقت سازمان میراث فرهنگی، دوباره وی و جمعی از همکارانش اقدام به تهیه و تدوین پرونده های ثبت جهانی کردند و مجموعه نخست نمایان در این فهرست به ثبت رسید.
پایه زور بار هم در دی ماه ۱۳۸۲ ثبت جهانی در فهرست میراث جهانی یونسکو در یکجده کشور ایران در این مجموعه به ثبت رسید.
گسترده تر از درباره این منطقه غنی تاریخی پایه گذار و ادامه داد.

زبان انگلیسی منتشر شد. در سال های گذشته سفری وزارت امور خارجه کشورمان، جوئل این مجموعه به فارسی ترجمه و منتشر شده است. تحقیقات تاریخی و تاریخ هنری شهریار عدل بیشتر در زمینه قرون میانه اسلامی و قفسه موزه مرکز بود. او سلسله مقالاتی درباره موضوعات فرهنگی در ایران افکند. عدل به این افتخار رسیده است که با مساعده و مهم و انگشانی نیز درباره آشنایی با مساعده و نخستین کتابها در فیلم سازی و فیلم سازی ایران برداشت.

او با اثراتی که به تاریخ و هنر دوره قاجار داشت و مقالاتی کلیدی نیز درباره تاریخ مکانی نگاشت و در کنار بحسی دهه ۱۳۰۰ تاریخ و اشعار و معاد صاحب نظران در این زمینه شامل می آمد.
شهریار عدل به دریافت مدارک فرهنگ جهانی یونسکو نیز نایل شد. در سال ۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی) با اوچوچو و ماسورا، دبیبر کل وقت یونسکو، یکی از مرمی در حضور ایرنا و یونسکو، دبیرکل کنفرانس و کنونی آن سازمان، مجال فرهنگ جهانی موسوم به «هنر قاره» را در مقر یونسکو در پاریس به شهریار عدل اعطا کرد.

گلایه مر و جان صنایع دستی از وعده های بز زمین مانده مسئولان



صنایع دستی و صنایع دستی ایران خطه گسترده و خشک، با مردمان سختکش و خستگی پذیرش خاستگاه طریقی ترین هنرهای دستی ایران است. هنرهای دستی و صنایع دستی به اندازه تاریخ یک قوم است، هنری که شاهکار داستان هنرمندان مردمان است. انسان است، مورد استقبال همگان قرار گرفته و این رویه ای فنی فقط جهان ساز مدام می شود.
اشکال هندسی به کار رفته با رنگهای متنوع روی پوشاک زنان بومی سیستان و یون خلود نماکنان هنری خلق زاییده ذهن بومی مردمان این دیار و به ویژه زنان است. جدای از این مردمان و زنان این دیار با پوشش محلی و سنتی نشان داده اند. همچنان بر صیقلات میراث فرهنگی پاینده هستند. صنایع دستی رایج در این دیار، سوزن دوزی، کتله های زیاده های خنوده، هم راهی برای امرار معاش به شمار می آید.
عبدالعالی آهنکار، حیوان پرورنده و بنیادین سیستان و یونسکو از سال ۱۳۸۲ به هنر صیقلی و سوزن دوزی روی آورده است. وی که معتقد است هنر نیز در ایران است و پس از گفتگو با خبرنگار اذهانی می گوید: کتله های به هنرهای سنتی علاقه خاصی داشته ام از جهت تصمیم گرفتم هنر که زاده این منطقه است را به بگیرم. هم اکنون نزدیک به ۱۰ (اسال است که من و خانم هم به هنر صیقلی و سوزن دوزی روی آورده ایم. در این رابطه توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص تولید کار ملی و اقتصاد مقاومتی تواندمی گامی برداریم.
عبدالعالی می گوید: سوزن دوزی، هنر ظریف و

توسعه فرهنگ داوطلبی و مشارکت مدنی برای بهتر زستن فرهنگ خدمت رسانی

پارینا کهنه گران سنگمر، پیران پیانه که به سرمدی، هستی می پذیرد تا پایانی که به جوادانگی می پیوندد، هیچ ندمید که تلخی زندگی را در کرم شیرین کند، مگر عشق روزی به آسان و دیدن خنده و شادی آنها.
کلام شیرین باغچه دوران با یوروین انصاف؛ خرم آن کسی که در این مهربانگاه خاطری اسبب تسکین است.
همچنین خیران خلیل خیران می گوید: خوشی زبون، در گردآورن گوش لعل شوی. خوشی گل، سرشون نین خود به زبون، برای رسیدن من، کوشش از زندگی است. گل زبون، زبانی نمی توانم از این، بسیار در نهم.»
سحر دینداری می گوید: کهنه گران سنگمر، پیران پیانه که به سرمدی، هستی می پذیرد تا پایانی که به جوادانگی می پیوندد، هیچ ندمید که تلخی زندگی را در کرم شیرین کند، مگر عشق روزی به آسان و دیدن خنده و شادی آنها.
کلام شیرین باغچه دوران با یوروین انصاف؛ خرم آن کسی که در این مهربانگاه خاطری اسبب تسکین است.
همچنین خیران خلیل خیران می گوید: خوشی زبون، در گردآورن گوش لعل شوی. خوشی گل، سرشون نین خود به زبون، برای رسیدن من، کوشش از زندگی است. گل زبون، زبانی نمی توانم از این، بسیار در نهم.»
سحر دینداری می گوید: کهنه گران سنگمر، پیران پیانه که به سرمدی، هستی می پذیرد تا پایانی که به جوادانگی می پیوندد، هیچ ندمید که تلخی زندگی را در کرم شیرین کند، مگر عشق روزی به آسان و دیدن خنده و شادی آنها.
کلام شیرین باغچه دوران با یوروین انصاف؛ خرم آن کسی که در این مهربانگاه خاطری اسبب تسکین است.

جهان داوطلبی

تأتم ۱۸ انجمن میراث فرهنگی به رئیس جمهوری

۱۸ انجمن فعال حوزه میراث فرهنگی در نامه ای سرگشاده به رئیس جمهوری، دغدغه های خود را درباره بافت تاریخی که که جزئی از هویت ملت ایران است، مطرح کردند و اقدام لازم را خواستار شدند. در این نامه آمده است:
«در حالی که مسئولان میراث فرهنگی در شهرها حضور داشتند، بخش های بارمانده از کار و سرسرای قاجاری را بافت تاریخی می شناسند. به همین دلیل، به هنر معماری و آثارهای فنی این باقی مانده بود توسط لوگرها ویران شود و در بخش های دیگری از بافت هم دستور تخلیه ساختمان از خانه های آما و اجدادی دولت داده شد.» در این نامه، همچنین آمده است: بارها در این نامه، بخش های یکی از کهن شهرهای تمدن ایرانی افتاد تاریخی از معماری دوران عالم بزرگ ششیم، ملایر، آذربایجان، تعالی است. در شمال مدرسه خان شیراز، تفریس این عالم بزرگ، قلماسی به حدود ۱۱ هزار متر مربع ساخته شده اند. این ساختارها از چه تجاری و مردمی خرید اختصاص داده شده است، تبلی نگاشته است. به همین دلیل، به درخواست ما، این شهرها را به بافت تاریخی تبدیل کنیم. ما به درخواست ما، این شهرها را به بافت تاریخی تبدیل کنیم. ما به درخواست ما، این شهرها را به بافت تاریخی تبدیل کنیم.



مسئولان میراث فرهنگی به رئیس جمهوری

«مسئولان میراث فرهنگی به رئیس جمهوری، دغدغه های خود را درباره بافت تاریخی که که جزئی از هویت ملت ایران است، مطرح کردند و اقدام لازم را خواستار شدند. در این نامه آمده است:
«در حالی که مسئولان میراث فرهنگی در شهرها حضور داشتند، بخش های بارمانده از کار و سرسرای قاجاری را بافت تاریخی می شناسند. به همین دلیل، به هنر معماری و آثارهای فنی این باقی مانده بود توسط لوگرها ویران شود و در بخش های دیگری از بافت هم دستور تخلیه ساختمان از خانه های آما و اجدادی دولت داده شد.» در این نامه، همچنین آمده است: بارها در این نامه، بخش های یکی از کهن شهرهای تمدن ایرانی افتاد تاریخی از معماری دوران عالم بزرگ ششیم، ملایر، آذربایجان، تعالی است. در شمال مدرسه خان شیراز، تفریس این عالم بزرگ، قلماسی به حدود ۱۱ هزار متر مربع ساخته شده اند. این ساختارها از چه تجاری و مردمی خرید اختصاص داده شده است، تبلی نگاشته است. به همین دلیل، به درخواست ما، این شهرها را به بافت تاریخی تبدیل کنیم. ما به درخواست ما، این شهرها را به بافت تاریخی تبدیل کنیم. ما به درخواست ما، این شهرها را به بافت تاریخی تبدیل کنیم.

آغاز سفر جهانگرد همزمانی به دور اروپا



امیری رودانی، وزیرسکار همزمانی سفری سه ماهه را به منظور شناسایی جاذبه های گردشگری همزمان آغاز کرده است.
وی در این خصوص گفته اند: هدف از این سفر معرفی جاذبه های گردشگری همزمان و سفرهای بنام جهانی اسال محیط زیست (۷ میلیارد رواد) می باشد، با احتیاط محیطی، صرف به جهانیان است. فرانسوا هرتزسکار همزمانی پس از عبور از کشورهایی که زنده به بافت، بلقراستان، فلسطین و ولفسان خدمت به هموطنان است و برای احراز شرایط، آندیشین به منقعاتی شخصی و فلسطین خدمت به هموطنان است و برای احراز شرایط، آندیشین به منقعاتی شخصی و فلسطین خدمت به هموطنان است.